



## پیروزی اتم بر حقوق بشر!

فرامرز دادرز

سرانجام یکبار دیگر بازی اتمی رژیم اسلامی، که سال ها جهانیان را بخود سرگرم نموده است، بر پرونده نقض حقوق بشر در ایران پیروز شد. نتیجه گفتگوهای رسمی سران هشت کشور صنعتی جهان، در شهر آکیلا در ایتالیا اعلام شد. هشت کشور صنعتی جهان بر آن شدند که، بخت دیگری برای گفتگوها، در باره برنامه های اتمی به جمهوری اسلامی بدهند. گفتگو ها در باره ایران، تا دقایق پایانی میان سران هشت کشور دنبال شد. بجز کشور های فرانسه و انگلیس که خواهان بر خورد جدی با رژیم جمهوری اسلامی بودند، آمریکا، روسیه و دیگر کشورها تمایل چندانی به این گونه برخورد از خود نشان ندادند.

فرانسه و انگلیس، متنی از پیش آماده شده برای مجازات رژیم را پیشنهاد کردند، ولی روسیه، با دادن ضمانت هایی تا ماه سپتامبر، یکبار دیگر بیاری رژیم اسلامی برخواست.

قرار شد که از عنوان کردن واژه «مجازات» پرهیز شود، و همان متنی را که در گردهمایی وزیران خارجه گروه هشت، در تاریخ 26 ژوئن در شهر ترینست ایتالیا آماده شده بود، با اندک دگرگونی انتشار دهند.

در گردهمایی وزیران خارجه گروه هشت، خشونت های پیش آمده پس از انتخابات 12 ژوئن در ایران محکوم شده بود. در آن گردهمایی پافشاری در یافتن راهکار سیاسی، و گفتگو در برابر رژیم اسلامی پیشنهاد شده بود.

نیکلا سارکوزی، رئیس جمهور فرانسه، در کنفرانس مطبوعاتی پس از شام، نگرانی خود را از برنامه اتمی رژیم اسلامی بازگو کرد و گفت: «هشت کشور بر آن شدند، که بخت دیگری به رژیم برای گفتگوها بدهند!، و سپس در گردهمایی آینده در شهر پیتسبورگ، به بررسی رویداد ها بپردازند.

سارکوزی گفت: «اگر پیشرفتی در گفتگو ها بدست نیامد، ناچار به تصمیم گیری خواهیم بود!» گردهمایی گروه (G 20) در روز های 24 و 25 سپتامبر 2009، در شهر پیتسبورگ در ایالت پنسیلوانیای آمریکا انجام خواهد شد.

سارکوزی گفت که؛ مراسم تحلیف احمدی نژاد، در ماه اوت است، و او تا ماه سپتامبر، کابینه خود را معرفی خواهد کرد و افزود: «میان ماه اوت و سپتامبر، این ایرانیان هستند که بایستی اوضاع را تغییر دهند!»

رئیس جمهور فرانسه، خشونت های رژیم در برابر مردم را «ضربه ای عمیق» و غیر قابل درک دانست! و افزود، ایرانیان نخستین کسانی هستند که می خواهند حقایق را بدانند!

سارکوزی درخواست کرد، که احمدی نژاد، بدلیل نفی هلوکاست، از سوی جامعه جهانی محکوم شود. او همچنین گفت؛ که باید به بازداشت های غیر قانونی خارجیان در ایران پایان داده شود، و آنرا غیر قابل پذیرش خواند.

گروه هشت، پیش بینی کردند که یک کنفرانس امنیت اتمی در آغاز ماه مارس آینده در واشنگتن تشکیل شود. آمریکا به هیچ روی، موافق نشان دادن یک واکنش شدید، در برابر رژیم اسلامی نبود. آکسلورد، مشاور اوباما، کمی پیش از شام گفته بود که: ارجحیت برای ما پرونده اتمی ایران است! ما همه از برخورد های خشونت آمیز با مردم نگران هستیم، ولی باید کوشش خود را روی برنامه های اتمی ایران متمرکز کنیم.

متن بیانیه پایانی که به سفارش روسیه انجام شد، آمریکایی ها را خشنود کرد. مایک فورمن، مشاور اوپاما، گفت که در فرای همه این ها، یک فضای «بی تابی همگانی» در برابر ایران احساس می شود!.

پس از انتخابات 12 ژوئن در ایران، کاخ سفید در برابر رژیم اسلامی، سیاست آرامش و انتظارپیش گرفت، و بر این باور است، که این روش به سود اعتراض کنندگان و مخالفین رژیم اسلامی است.

تاریخ همواره بگونه خنده آوریتکراری می گردد، در کنفرانس سران هفت کشور صنعتی در سال 1978، در جزیره گوادلوپ فرانسه، که سرنوشت رژیم شاه یکسره شد، همه این کشورها، بجز روسیه شرکت داشتند.

والری ژیسکاردستن رئیس جمهور فرانسه در آن زمان، میزبانی گردهمایی رابدوش داشت، او سال ها بعد در خاطراتش نوشت که؛ اوضاع رژیم شاه بسیار خراب بود، و هیچ امیدی به ماندگاری او نبود، و کشور های غربی نگران افتادن ایران به دام اتحاد جماهیر شوروی بودند. در یک بعد از ظهر، و در یک گفتگوی خصوصی، بدون شرکت مترجمان رسمی، و بدون حضور نخست وزیران ایتالیا و ژاپن، سران چهارکشور آمریکا، انگلیس، آلمان و فرانسه گرد هم آمدند، و نخست وزیر کانادا، که به دو زبان انگلیسی و فرانسه چیره بود، نقش مترجم را میان سران کشور ها بازی کرد. فرانسه و آلمان مخالف کنار گذاشتن شاه بودند، و آمریکایی ها دودل، نخست وزیر انگلیس، خیال همه را آسوده کرد، و گفت که رژیم آینده در کنترل خواهد بود!.

پس از گذشت سی سال، گویا رژیمی که در کنترل بیگانگان بود، به پشتیبانان خود پشت کرده، و به آغوش، خرس مهربان، روسیه، پناه برده است.

این بارنوبت روس ها است، که به سخنگویی از قزاقخانه پاسداران، خیال دیگران را آسوده کنند و بگویند: «مردم ایران در کنترل سپاه و بسیج می باشند!». و آمریکا هنوزمانند سی سال پیش، در دودلی بسر می برد.

ابراهیم یزدی، از کارگردانان براندازی، و از مشاورین خمینی، در خاطراتش گفته است که؛ هنگامیکه نتیجه کنفرانس گوادلوپ را به امام گزارش دادیم، ایشان از شدت خوشحالی دو دستشان را بهم کوفتند، و فرمودند کار تمام شد.

یزدی اشاره می کند که این دومین باری بود، که امام دست هایش را بهم می کوبید، بار اول در سال 1342، پس از یورش مأمورین ساواک به مدرسه فیضیه قم، و کشته شدن چند تن از طلاب علوم دینی بود.

در نوفل لوشاتو امام و یارانش، بچه ها را برای رفتن به ایران بستند! و در ایران شاه و خانواده، چمدان ها را برای بیرون آمدن از ایران آماده کردند! هنگامی که خمینی با پرواز به اصطلاح آزادی ایر فرانس، بسوی ایران رهسپار شد، قانون اساسی جمهوری ولایت فقیه اش را در جیب داشت، و لیست اعدامی ها نیز پیشاپیش فراهم شده بود.

همه چیز برای تغییر رژیم آماده بود. شاپوربختیار هم با همه کوششی که انجام داد، در پایان، با تنگ نظری همکاران جبهه ملی خود، و خیانت سران ارتش روبرو شد، و با طناب پوسیده ارتش شاهنشاهی، به داخل چاه افتاد!.

سی سال پیش، جنبش مردم ایران دارای رهبری منسجم شده بود. همه گروه های مخالف شاه، از چپ و راست، در زمره اصحاب «آل عبا» در آمده بودند. بی بی سی بلندگوی انقلاب شد. سیل چریک های آموزش دیده در فلسطین، شوروی، چین، آلمان شرقی و دیگرکشور های سوسیالیستی اقمار شوروی، به ایران سرازیر شدند. اسلحه های گوناگون از شمال و جنوب کشور به درون راه یافت.

عقاب های حزب جمهوریخواه، و جرج بوش، رییس جمهور پیشین آمریکا، در دوران هشت ساله ریاست جمهوری اش، همواره بر طبل جنگ با رژیم اسلامی می کوفتند، تا جایی که دیده می شد، مردم در مانده و گرفتار درون کشور، دست روی دست گذاشته و به انتظار حضرت «جرج موعود»، و یا فرزندان تیز پرواز یعقوب نشسته اند؛ فرزندان کسانی که وامدار کورش بزرگ در بابل بودند.

اپوزیسیون خارج نشین، فرتوت و ناتوان، نیز با بیانیه‌ها و گرد همایی‌های نشاط‌انگیز بهار و تابستان، به خط و نشان کشیدن برای یکدیگر، روزگار را سپری می‌کردند، و پهلوان پنبه‌های آنان، به تقسیم خیالی، تیول و پست‌های دولتی، در رژیم آینده سرگرم بودند.

با روی کار آمدن باراک اوباما، چهره دیگری از سیاست آمریکا در برابر رژیم اسلامی دیده می‌شود، سیاست گفتگو با چماق و هویج دگرگون شد، و به جای چماق، میر حسین با رنگ سبز آمد.

پیش بینی می‌شد، که این سیاست در دراز مدت به پیروزی برسد، و یک بار دیگر رژیم به زیر کنترل در آید. ولی فزاقخانه پاسداران، با یاری و پشتیبانی مشاوران روسی، با رنگ خون از راه رسیدند.

جنبش خود جوش مردم، زنان و مردان، بویژه جوانان، دانشجویان و بخش روشنفکر جامعه، که تشنه آزادی می‌باشند، همه حساب‌های گردانندگان پشت صحنه را بهم ریخت.

خشونت‌ها در سرکوب این جنبش به اندازه‌ای بود، که جهانیان را بر آشفته کرد. همه سازمان‌های اطلاعاتی و جاسوسی کشورها غافلگیر شدند.

گروه‌های نیمه‌جان اپوزیسیون ایرانی در خارج از کشور، که تا چند هفته پیش از آن، مردم درون کشور را به رخوت، سستی و اعتیاد متهم می‌کردند، و از برنامه‌های عقاب‌گونه، و پرهزینه خود، در فراهم آوردن زمینه‌های جنبش مردم، با پشتیبانی کشور‌های بزرگ سخن می‌راندند، هنگامی که مردم را در خیابان‌ها دیدند، چند روزی را در حال سکنه بسر بردند، و پس از بهوش آمدن، دست به انتشار چند بیانیه و اعلامیه زدند، تا از این نمد، کلاهی برای خود دست و پا کنند. هیچ‌کس نتوانست بزرگی این حرکت ایرانیان را پیش بینی نماید. هشیاری و خردمندی جوانان ایرانی شگفتی جهانیان را برانگیخت.

مردم ایران، همه داستان دهقان و بلدرچین را بیاد دارند، و می‌دانند که خود باید کمر همت را بر بندند، و به امید دیگران ننشینند. سخن از حقوق بشر، برپایی کنفرانس‌های جهانی، از گروه هشت گرفته، تا گروه بیست، و شاید در آینده بیشتر! هیچیک آزادی و مردم‌سالاری را به ایرانیان ارمان نخواهند کرد، و همان‌گونه تاریخ نشان داده است، سرنوشت رژیم اسلامی نیز در خیابان‌ها روشن خواهد شد.

پاریس 18 تیرماه، برابر 9 ژوئیه 2009

تارنمای فرهنگ ایران

[www.farhangiran.com](http://www.farhangiran.com)